

### رها لوسین زهادی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل

Anne Marie Slaughter, *A New World Order*, Princeton:  
Princeton University Press, 2004, 341 pages.

داده و هویت می‌بخشد مسئولیت لازم و بایسته را به عهده بگیرند. آنچه در زمینه روابط میان فاعلان نظام جهانی<sup>۱</sup> اتفاق افتاده این است که نظام موجود به عنوان یک سازه اجتماعی همراه با تغییر و تحول ارزش‌ها و هنجارها<sup>۲</sup> دستخوش دگرگونی شده و در مقابل پدیده قدرت دولت، چارچوب و اصول دیگری که ریشه در

در طول سال‌های گذشته، رهبران، تصمیم‌گیران، مقامات مسئول، کارگزاران دولت، نمایندگان مجالس قانونگذاری، قضات دادگاه‌ها، بخش‌های گوناگون جامعه مدنی، انواع مختلف سازمان‌ها و نهادها، شرکت‌ها و حتی تروریست‌ها، تاجران اسلحه و قاچاقچیان مواد مخدر در همه سطوح فرا خوانده شده‌اند تا در برابر فرآیندها، تحولات و تحرکاتی که نظام و به عبارت دیگر روابط میان آنها را شکل

1. Global System

2. Norms

تحول همین ارزش‌ها و هنجارهای فردی و اجتماعی دارد مطرح شده است. خانم آن ماری اسلاوتر رییس مدرسه وودرو ویلسون در دانشگاه پرینستون، رییس پیشین انجمن آمریکایی حقوق بین‌الملل و عضو رسمی موسسه بین‌المللی حقوقدانان حقوق تطبیقی و همچنین استاد رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه پرینستون آمریکا در کتاب خود با نام *نظم نوین جهانی*، ضمن تاکید بسیار بر بعد جهان‌گرایانه و جزء‌گرایانه وضعیت نظم و نظام جهانی، بر این باور است که جهانی شدن یک جریان فراگیر است که در همه سطوح مطرح شده و خواهد شد. به نظر وی امروزه وضع به گونه‌ای است که تنها تأمین توافق صریح دولت‌ها بر سر مسایل مختلف چاره‌گشا نیست. به باور وی، شکل متداول تحصیل تراضی به این صورت تغییر کرده که دولت‌ها برای انجام تکالیف روزمره خود با تحصیل وفاق عام، با انجام مصالحه و بده‌بستان‌ها، اختلافات میان خود را حل و فصل و منافع فردی و جمعی را تأمین و به معنای اخص کلمه مصالحه و مدارا می‌کنند!

وی درباره ویژگی‌های این نظم ضمن بررسی و ارزیابی انواع ساختارهای موجود و استناد به نظریه‌های مختلف در این رابطه و با ارایه مثال‌های مختلف، معتقد است که بازیگران نظام جهانی باید برای ادامه همزیستی و به منظور اداره امور خود سیستمی را بپذیرند که دارای دو وجه ملی و فرا ملی است (حقوق اداری و عمومی جهانی). این سیستم که هم حافظ و مدافع اصل تعدد فرهنگ‌ها است و هم تأمین‌کننده منافع جمعی. به موجب این نظریه، جامعه بین‌المللی جامعه‌ای است که در آن، دولت‌ها هم با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز با تاکید بر تساهل و مصالحه بر سر اصول مشترک دارند و هم مطالبات شخصی و منافع جزئی خود را تأمین می‌نمایند.

به باور خانم اسلاوتر، وجود جهان واحد و یکپارچه و اجبار اعضای آن به پیروی از نظامی مشترک به دلیل وابستگی متقابل آنها به یکدیگر و ضرورت زندگی مشترک از یک طرف و حق تأمین منافع شخصی آنها از طرف دیگر، دلیل

بین‌المللی است که دولت، جزیی از آن به شمار می‌آید.

نکته قابل توجه در عقاید خانم اسلاوتر این است که وی اهمیت قرار دادهای بین‌المللی را نادیده نمی‌گیرد ولی معتقد است که اجباری شدن قراردادهای و توافق‌ها به چند قلمرو حقوقی، اخلاقی و تراضی مربوط می‌شود. اساس نظریات خانم اسلاوتر بر این فرضیه استوار است که استقرار نظم حقوقی، مطلقاً وابسته به وجود همکاری بین‌المللی است و هنوز در جامعه بین‌المللی چنین همکاری در مرحله رشد بوده و به مرحله کمال نرسیده است. وی نظم حقوقی موجود را اصولاً مبتنی بر رفتار افراد و فاعلان این نظم می‌داند. وی می‌گوید جامعه بین‌المللی امروز، یک پدیده‌ای است که مستقلاً و خارج از اراده دولت‌های تشکیل دهنده آن، وجود دارد. در نظر وی، ماهیت روابط بین‌الملل، اصولاً بر دو نوع است، نخست روابطی که براساس هم‌ردیفی<sup>۱</sup> بین اعضا می‌باشد و دیگری روابطی که ناشی از فرمان‌بری<sup>۲</sup> از جامعه بین‌المللی است. به عقیده وی،

1. Coordination

2. Subordination

شکل‌گیری نظم نوین که همان همکاری بین‌المللی است می‌باشد.

کتاب *نظم نوین جهانی* در ۳۴۱ صفحه در قالب شش فصل توسط انتشارات دانشگاه پرینستون در آمریکا در سال ۲۰۰۴ به چاپ رسیده است. خانم اسلاوتر در دیباچه کتاب به بهره‌مندی از اندیشه‌های اندیشمندانی مانند رابرت کیوهن، جوزف نای، فرید زکریا، ویلیام والاس، ریچارد فالک، شریف بسیونی و دیگران اشاره می‌کند که قطعاً بر ارزش مطالعه کتاب می‌افزاید.

خانم اسلاوتر تا اندازه زیادی به ارزش و اعتبار جهانی ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی اعتقاد دارد. او اصولاً این ارزش‌ها و هنجارها را که به باور وی هنوز شکل و صورت حقوقی نیافته‌اند، زاییده تفاهم و اشتراک مساعی بازیگران صحنه روابط بین‌المللی می‌داند. او این نکته را می‌پذیرد که این قواعد غیر حقوقی بر اراده دولت‌ها برتری دارد. به باور وی، چنین قواعدی برای دولت‌ها لازم‌الاتباع هستند و هیچ دولتی نمی‌تواند منفرداً خود را از قید آنها آزاد نماید، زیرا این نرم‌ها در حیطه اختیار او نبوده و متعلق به جامعه

قسمت اعظم روابط فعلی براساس هم‌ردیفی است که اصولاً با نظم منطقی حقوق مغایرت دارد، زیرا در جامعه بین‌المللی، هنوز دولت‌ها حاکمیت دارند و خود را با یکدیگر مساوی یا هم‌ردیف می‌دانند. در حالی که در تعریف جدید از حاکمیت دولت‌ها باید گفت حاکمیت جدید، حاکمیت متلاشی شده‌ای است که به جای استقلال و خود مختاری محض بر مبنای اصل کفایت و توانایی و به جای مسئولیت و تکلیف مطلق، تضمین حقوق دولت‌ها را هم شامل می‌گردد. منظور از کفایت و توانایی در حاکمیت جدید، امکان بالقوه و بالفعل مشارکت و تشریک مساعی با انواع مختلف نهادهای ملی و بین‌المللی جهت حل مشکلات جهانی، ملی و منطقه‌ای است. در واقع به موجب این تعریف، در نظام نوین جهانی، دولت‌هایی واجد شناسایی خواهند بود که تمایل و امکان مشارکت با سایر دولت‌ها و پذیرش تعهدات متقابل<sup>۱</sup> را داشته باشند.

خانم اسلاوتر در فصل‌های یکم، دوم و سوم کتاب خود به اجزای تشکیل دهنده حکومت‌ها با هویت جدید خود در نظم

نوین جهانی اشاره می‌کند و در هر فصل با ارایه مثال‌های جالب و در برخی موارد قانع کننده، مشارکت بالفعل این ارکان را در تعیین ارزش‌های حاکم بر روابط بین‌الملل به اثبات می‌رساند. وی در فصل یکم کتاب تحت عنوان کارگزاران دولت‌ها<sup>۲</sup> آنها را سفیران و مروجان نظم نوین معرفی می‌کند و با اشاره به نهادهایی مانند گروه هفت، صندوق بین‌المللی پول، کمیته Basel، LOSOC و LAIS و توصیف حقوق و تکالیف آنها در تشریک مساعی با هم‌تایان خود در جهان به رشد و گسترش نوعی حکومت داری یا تدبیر فرا دولتی و میان دولتی<sup>۳</sup> در نظم نوین جهانی اعتراف می‌کند. وی با تأکید بر مفهوم personalization یا شخصی‌سازی و تأکید بر شخصیت و کنش و معلومات و اعتبار افراد مجری قانون و کارگزاران حکومت‌ها، آنها را تابع بی‌چون و چرای قانون یا قرارداد نمی‌داند بلکه معتقد است که آنها ضمن رعایت قواعد و اصول حاکم بر نظم داخلی کشور خود، با ارایه راهکارها و رهیافت‌ها به نوعی هم‌سازنده

2. Regulators

3. Transgovernmentalism

1. Disaggregated Sovereignty

شدن اشاره می‌کند و ضمن اعتراف به نمونه‌هایی پیرامون امید به پیشرفت و هم‌گرایی بیشتر آنها در این زمینه، به نقش موثر و غیر قابل اجتناب آنها در جهانی شدن حکومت‌داری و حاکمیت حکومتی می‌پردازد. وی در این قسمت از اصطلاح تدبیر جهانی<sup>۱</sup> استفاده می‌کند و می‌گوید نمایندگان مجالس قانونگذاری کشورها که علی‌الاصول باید در چارچوب نظرات و اهداف موکلان خود در نظام داخلی گام بردارند، در نظم نوین جهانی باید ضمن هم‌آوایی و هم‌گرایی با همتایان خود در اقصی نقاط جهان، به دنبال آرایه سیاست‌های مشترک و دسته جمعی برای حل مشکلات جهان باشند.

موضوع تعریف نظم جهانی به شکل خرد و بخشی و نه کلان و کلی<sup>۲</sup> عنوان فصل چهارم کتاب را تشکیل می‌دهد. در این قسمت خانم اسلاوتر امکان‌ات و راه‌های تقویت گستره نظام حاکمیتی کشورها را از طریق بسط ساختار تکنو کراسی و نخبه سالاری و همچنین تاسیس و ایجاد انواع سازمان‌ها به همراه زیر

روابط جدید و هم تابع روابط خارج از محدوده تحت تابعیت دولت خود هستند و آن همکاری و مشارکت با همتایان خود در صحنه روابط بین‌المللی است.

در فصل دوم کتاب، خانم اسلاوتر رشد و تکوین یک نظام قضایی جهانی را توسط قضات دادگاه‌ها از گوشه و کنار جهان نوید می‌دهد. وی با اشاره به عملکرد جدید قضات در اقصی نقاط جهان به ویژه در اروپا و آمریکا که با استناد صریح به احکام و رویه‌های قضایی دادگاه‌های خارج از کشور خود، قانون به اصطلاح خارجی را توصیف و سپس تأیید می‌نمایند، قضات و کارمندان نظام دادگستری کشورها را در جهان مبدعان نهایی و قطعی بسیاری از مسایل حقوقی در زمینه‌های حقوق بشر، قواعد حاکم بر رابطه میان دادگاه‌های ملی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر، حقوق داور و آئین‌نامه تشکیل کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های بین‌المللی قلمداد می‌کند.

خانم اسلاوتر در فصل سوم کتاب به واماندگی نمایندگان مردم در مجالس قانونگذاری کشورها در این جریان جهانی

1. Global Governance

2. Disaggregated World Order

مجموعه‌های متعدد و تخصصی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. وی در این رابطه نفتا<sup>۱</sup> و اتحادیه اروپا را پرچمدار این رهیافت معرفی و آنها را در این زمینه موفق می‌داند. در این قسمت نویسنده با بهره‌مندی از یک رویکرد مدیریتی، از تأثیر بالقوه مدیریت مبتنی بر عملکرد به عنوان ابزار توانمند در سرعت بخشیدن به فرآیند جهانی شدن سخن می‌گوید.<sup>۲</sup>

در فصل پنجم، نویسنده با انتخاب عنوان نظم موثر جهانی<sup>۳</sup> به توصیف انواع موجود شبکه‌ها و ساختارهای حکومتی می‌پردازد و آنها را در سه مجموعه جدا مورد بررسی قرار می‌دهد: (۱) ساختارهای اطلاعاتی حکومت، (۲) ساختارهای اجرایی حکومت، (۳) ساختارهای هماهنگ کننده حکومت. وی در تعریف خود از ابزار تأثیر گذار در اختیار این ساختارها، به دو نوع قدرت که موجب نقش‌آفرینی این مبانی علمی فعلیت نظم نوین جهانی می‌گردند اشاره می‌کند: (۱) قدرت نرم؛

(۲) قدرت سخت<sup>۴</sup>. در واقع به نظر وی اثر گذاری نظم نوین در سطح کلان با استفاده از هر دو قدرت مزبور امکان‌پذیر خواهد بود. او در همین رابطه ضمن انحراف از برداشت جهان‌گرایانه خود از نظم نوین جهانی با توسل به یک برداشت واقع‌گرایانه<sup>۵</sup> به موضوع تغییر ساختار توزیع قدرت و نقش قدرت و انواع آن به ویژه قدرت نرم می‌پردازد. خانم اسلاوتر در این بخش ضمن استناد به نظریات جوزف نای<sup>۶</sup> که از نوکارکرد گرایان است رهیافت وابستگی متقابل چند لایه‌ای را در عصر حاضر عملی‌تر و موثرتر قلمداد می‌کند.

در فصل ششم و پایانی کتاب خانم اسلاوتر به مبنای الزام موجود در این نظم نوین جهانی می‌پردازد. وی به منظور توجیه و اثبات گفته‌های خود در بخش‌های نخستین کتاب الزام‌آور بودن یا نبودن ارزش‌ها و هنجارهای جدید شکل گرفته در این نظم نو را بررسی می‌نماید. تردیدی نیست که اصولاً الزام‌آور بودن

1. NAFTA
2. Performance-based Management
3. An Effective World Order
4. Soft Power

5. Hard Power
6. Realistic
7. Joseph Nye

و حرفه‌ای آنان است که در صورت وجود اتفاق نظر میان تک تک آنها در زمینه کار دسته جمعی و پیگیری هدف مشترک تحقق یافته و به شکل و صورتی پایدار و مستحکم مستقر و عملی می‌گردد.

در مجموع مطالعه کتاب خانم اسلاوتر چندین نکته قابل بحث را به ذهن متبادر می‌سازد: این که، آیا واقعاً و عملاً افراد درون نهادها و سازمانها با شکل و هیات جمعی و با توجه به یک یا چند هدف مشترک توانسته‌اند یا خواهند توانست منافع و اهداف خود را به روشی مشروع تأمین کنند؟ چگونه؟ آیا نباید قانونی باشد تا از آنها حمایت کند؟ آیا در دوران معاصر، وضعیتی به وجود آمده است که در آن افراد و سازمانها بتوانند رسالت خود را در حوزه این نظم نوین ادعایی به انجام رسانند؟ آیا فزونی و گوناگونی سازمانها و نهادها و گروهها الزاماً دلالت بر حصول غایت نظم نوین جهانی یعنی همکاری بین‌المللی می‌نماید؟ و اساساً آیا حقوق جهانی نهادینه شده است؟ به نظر می‌رسد تا روزی که دولت‌ها باور نکنند که دیگر نمی‌توانند به تنهایی و با تکیه بر قدرت سخت و توسل

قواعد حقوقی از رابطه‌ای استنباط می‌گردد که آن قواعد با واقعیات زندگی اجتماعی برقرار کرده‌اند. به نظر خانم اسلاوتر در نظم نوین جهانی، خود افراد به شکل و صورت نهاد و سازمان و در واقع مجریان نظم و فاعلان آن هستند که با داشتن ویژگی‌هایی مانند شایستگی، خود مختاری، توان اقناع‌سازی دیگران، روحیه مدارا و تعامل، اعتماد و اعتبار، تخصص و داشتن اطلاعات جامع و مانع، وقایع حقوقی<sup>۱</sup> را نظم می‌دهند و در نتیجه به قاعده‌سازی برای تنظیم روابط بین‌المللی می‌پردازند. بدین ترتیب این افراد هستند که برای خود و دیگر فاعلان نظام جهانی ایجاد الزام می‌کنند. نکته جالب و مورد توجه در این فصل این است که نویسنده به پاسخگویی در مقابل نظرات مخالف نیز می‌پردازد، هر چند استدلال و متدولوژی بحث وی در این زمینه بیشتر آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسد.

خانم اسلاوتر در مطالعات خود تنها بر نهادها و عناصر آن یعنی افراد که عنصر و اساس سازمان اجتماعی هستند تکیه می‌کند و به باور وی همین رابطه ارگانیک

1. Legal Facts

به زور با مشکلات بین‌المللی روبه‌رو شوند و آنها را حل کنند، میدان را همچنان سیاست و قدرت دولت‌ها پر خواهد کرد. اکنون باید به انتظار روزی بایستیم که فرد به تعبیر خانم اسلاوتر و بشر به تعریف امروزی مجهز به سازمانی شود که حقوق وی را تضمین و اجرای قواعد ساخته و پرداخته وی را تأمین نماید. در حال حاضر، بشر جز به ندرت، مستقیماً با نظام حقوقی موجود تماس ندارد و اگر پیشرفت‌هایی در این زمینه در موارد اندک و در مناطق خاص از جهان تحصیل شده است بسیار پراکنده بوده و افراد بشر به معنای واقعی کلمه تصمیم‌ساز<sup>۱</sup> نبوده‌اند.

کتاب *نظم نوین جهانی* تلاشی است در خور تحسین برای شناخت و تجزیه و تحلیل بیشتر و عمیق‌تر واقعیات روابط بین‌المللی و همچنین داخلی و منطقه‌ای، و مطالعه آن برای اهل حقوق و سیاست پیشنهاد و توصیه می‌گردد. بررسی تحلیل‌های صورت گرفته در این کتاب نشان می‌دهد که قرن آینده، قرن کاربردی کردن تحولات پیش آمده و تأکید از سوی صنعت سخت‌افزاری به نرم‌افزاری، از

کمیت به کیفیت و از توجه و تمرکز به ماشین و ابزار به انسان و از سودآوری شخصی محض به سوی منافع اجتماعی جهانی پیش می‌رود.

